

پاداش رسالت  
مهدی آریان فر

مقدمه

خداوند متعال در طول حیات بشر انسان‌های زیادی را برگزیده و به سوی مردم ارسال داشته تا آنان را از تاریکی‌های جهل رها ساخته و فطرت پاک خدا جوی آنان را زنده سازد. در این میان یکی از شعارهای همیشگی پیامبران در طول دعوت‌شان که همواره آن را به قوم خود گوشزد می‌کردند، عدم درخواست هیچ گونه مزد و پاداشی بر رسالت خویش است.

پیامبرانی همچون نوح، هود، صالح، لوط و شعیب علیهم السلام همواره با شعار «و ما أسألکم علیه من أجرٍ إن أجری إلا علی رب العالمین» (شعراء/ 180 \_ 164 \_ 145 \_ 127 \_ 109) «برای این (دعوت) هیچ مزدی از شما نمی‌طلبم، اجر من تنها بر پروردگار عالمیان است» مراتب اخلاص خود را در رسالت و عدم چشم داشت مادی در دعوت‌شان را گوشزد نموده اند. البته آیات قرآن در این زمینه نسبت به پیامبران گذشته و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم اندکی متفاوت است که قبل از بررسی آنها به چرایی این مسأله می‌پردازیم.

چرا رسالت بدون اجر؟!

همان گونه که اشاره رفت پیامبران مأمور به رسالت بودند، بدون اینکه پاداشی از مردم بخواهند. به عنوان نمونه حضرت هود علیه السلام در مواجهه با قومش اظهار می‌دارد:

«یا قوم لا أسألکم علیه اجرا إن أجری إلا علی الذی فطرنی أفلا تعقلون» (هود/51)

«من در برابر این دعوت هیچ مزدی از شما نمی‌خواهم؛ پاداش من تنها بر آن کسی است که مرا آفرید آیا تعقل نمی‌کنید؟»

حضرت نوح علیه السلام نیز این مطلب را به قومش گوشزد می‌کند:

«فإن تولیتکم فما سألتکم من أجرٍ إلا علی اللّٰه وأمرت أن أكون من المسلمین» (یونس/72)

«پس اگر روی می‌گردانید همانا از شما مزدی نخواهم؛ پاداش من فقط بر خداست و امر شدم تا از تسلیم شدگان باشم.»

حال به این پرسش می‌پردازیم که چرا پیامبران الهی نباید پاداش و مزدی از مردم درخواست نمایند؟ و خداوند چرا آنها را مأمور کرده تا چنین درخواستی نداشته باشند؟ و در نهایت اینکه پیامد مزد خواستن پیامبران چیست؟

با نگاهی به آیات قرآن و اندکی تأمل در این مسأله، می‌توان دلایل متعددی را برشمرد که موارد ذیل از جمله آنها می‌باشد:

1- دلیل اول که بیشتر اختصاص به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم دارد، این آیه می‌باشد که «قل لا اسالکم علیه اجرا إن هو إلا ذکر للعالمین» (انعام/90) «بگو در برابر این رسالت، پاداشی از شما نمی‌طلبم

این رسالت چیزی جز یک یاد آوری برای جهانیان نیست. «این آیه بیان می‌کند که رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تذکری است برای همه جهانیان نه یک طایفه خاص<sup>1</sup> تا از آنان پاداش گرفته شود. بنابراین اگر قرار باشد پاداشی گرفته شود، نباید اختصاص به برخی داشته باشد که موجب تبعیض شود.

2- از آنجا که ارسال رسولان برای هدایت بشر طبق قاعده لطف، بر خداوند لازم است<sup>2</sup> بنابراین اجر و پاداش رسالت هم به عهده خداوند است نه مردم! از همین روست که در آیات نفی پاداش از زبان پیامبران مانند «و ما أسألكم عليه من اجر ان اجری الا علی رب العالمین» (شعرا/109) پاداش را بر خداوند ثابت می‌کند؛ یعنی طرف حساب پیامبران در واقع خداوند متعال می‌باشد نه مردم که پیامبران بخواهند از آنان مزد دریافت کنند.

3- هدایت بشر امری بس بزرگ و دشوار است. با مطالعه سرگذشت پیامبران این مطلب بخوبی درک می‌شود که آنها برای رسیدن به هدفشان یعنی تبلیغ دین چه گرفتاری‌ها و مشکلاتی را دیده‌اند و چه بسا در همین راه جان خود را از دست داده‌اند. به عنوان مثال حضرت موسی علیه السلام از آزار و اذیت قومش به تنگ آمده و زبان به شکوه می‌گشاید که ای قوم چرا این اندازه مرا اذیت می‌کنید؛ در حالی که می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شمایم! «و اذ قال موسی لقومه یا قوم لم تؤذوننی وقد تعلمون انی رسول اللّٰه الیکم» (صف/5)

از سوی دیگر با پذیرش رسالت، سعادت دنیوی و اخروی نصیب مردم می‌شود. حال هدایت شوندگان چگونه می‌توانند این موهبت بزرگ را با پاداشی مادی جبران نمایند؟! آیا متاع دنیوی می‌تواند پاداش این همه رنج و مشکلات پیامبران فرارگیرد؟ قطعاً پاسخ منفی خواهد بود: «قل متاع الدنیا قلیل والآخره خیر لمن اتقی» (نساء/77) بنابراین پاداش واقعی رسالت فراتر از پاداش مادی است و لذا نباید پیامبران به آن بسنده کنند.

4 - یکی دیگر از دلایلی که پیامبران نباید مزدی در خواست نمایند، نشان دادن صداقت و رفع تهمت است. برای اینکه مردم به صداقت پیامبران پی برند و بفهمند که چیزی جز دعوت در کار نیست، ضرورت دارد آشکارا به مردم اعلام دارند که در قبال پذیرش دعوت و رسالت لازم نیست هیچ هزینه‌ای را بپردازند. این شفاف سازی در امر رسالت بسیار مهم است؛ چرا که در طول تاریخ افراد زیادی با انگیزه‌های مادی ادعای پیامبری کرده و پیروانی را دور خود جمع کردند ولی پس از گذشت زمان که مردم به انگیزه‌های آنان پی بردند از اطراف آنان پراکنده شدند.

در قرآن کریم پاداش نخواستن تأکید شده و به عنوان یکی از راه‌های تشخیص رسول و فرستاده واقعی شمرده شده است؛ به عنوان نمونه آیه «تبعوا من لا یسألكم اجراً و هم مهتدون» (یس/21) «از کسانی که اجری از شما نمی‌خواهند پیروی کنید در حالی که هدایت یافته‌اند» اجر نخواستن را یکی از دلایل حقانیت فرستادگان حضرت عیسی علیه السلام دانسته است.

آیه دیگری که بر این مطلب دلالت دارد آیه «م تسألهم اجراً فهم من مغرمٍ مثقلون» (قلم/46 و طور/40) می‌باشد. در این آیه عدم پذیرش رسالت به بهانه درخواست اجر تلقی به قبول شده است که در مقام انکار به پیامبر می‌گوید: «یا اینکه تو از آنها مزدی می‌طلبی که پرداختش برای آنها سنگین است» از این رو

جهت اظهار صداقت در امر رسالت و جلوگیری از بهانه تراشی منکران اعلام عدم درخواست و پاداش و مزد از سوی رسول ضروری می نماید .

#### بررسی آیات پاداش رسالت

همان گونه که در مقدمه اشاره رفت تعبیر قرآن در زمینه اجر رسالت نسبت به همه پیامبران - بجز پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم - یکسان است. تنها در یک جا 4 در مورد حضرت نوح علیه السلام به جای واژه «اجر» واژه «مال» بکار رفته است و با توجه به وجود آیات دیگر 5 در مورد حضرت نوح که دارای واژه «اجر» می باشند این تعبیر خللی در تشابه این پیامبر با پیامبران دیگر در زمینه اجر رسالت ایجاد نخواهد کرد. اما تعبیر قرآن نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم اندکی متفاوت است؛ به گونه ای که می توان آنها را در چهار دسته قرار داد و اکنون به بررسی هر یک آنها می پردازیم .

1- آیه «قل لا اسألكم علیه اجر ان هو الا ذکر للعالمین» (انعام/90) «بگو در برابر این رسالت پاداشی از شما نمی طلبم. این رسالت چیزی جز یک یاد آوری برای جهانیان نیست». این آیه همانند آیات نفی اجر از پیامبران گذشته بطور کلی هر گونه پاداش و مزدی را در قبال قرآن و رسالت پیامبر نفی می کند. آیات دیگری نیز 6 بر همین معنا نسبت به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم تأکید دارند که به جهت اختصار از بیان آنها صرف نظر می کنیم.

#### 2- آیه «قل ما أسألكم علیه من أجر إلا من شاء أن يتخذ الی ربّه سیبلا» (فرقان/57)

«بگو در برابر آن (ابلاغ آیین خدا (هیچ گونه پاداشی از شما نمی طلبم مگر کسی که بخواهد راهی به سوی پروردگارش برگزیند».

می گوید مزد من همین است که یکی از شما بخواهد راهی به سوی پروردگار در پیش گیرد یعنی با اراده و اختیار خودش دعوت مرا بپذیرد 7 در اینجا خود دعوت و رسالت پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم به عنوان پاداش و مزد مطرح شده است که باز تأکیدی بر عدم درخواست مزد خواهد بود.

#### 3- آیه «قل ما سألتکم من أجر فهو لکم إن أجری الا علی الله» (سبا / 47)

«بگو هر اجر و پاداشی از شما خواسته ام برای خود شماست ، اجر من تنها بر خداوند است».

این آیه گرچه به گونه اجمال درخواست پاداش را، برای پیامبر اثبات می کند، اما یک علت کلی بیان می دارد و می فرماید بگو ای پیامبر اگر اجر و مزدی از شما درخواست نمایم بطور ادعایی خواهد بود؛ چرا که نفع و سودش فقط عاید شما می شود و برای من نفعی ندارد. بنابراین اگر تا کنون مزدی خواسته ام یا در آینده پاداشی درخواست نمایم تنها شما از آن بهره مند خواهید شد و من هیچ گونه بهره ای از آن نخواهم داشت؛ چرا که اجر و پاداش واقعی من فقط به عهده خداوند متعال است.

#### 4- آیه «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» (شوری/23)

«بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم جز دوست داشتن نزدیکانم».

در این آیه پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با صراحت درخواست پاداش و مزد می کند و بیان می دارد که پاداش من مودت در قریبی است. ابتدا ممکن است سؤال برانگیز باشد که چرا با وجود تأکید و اصرار آیات

قرآن مبنی بر عدم درخواست اجر از سوی پیامبران الهی ، پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم چنین درخواستی می کند ؟

بررسی آیه مودت

برای پاسخ به این سؤال و جمع این آیه که به آیه «مودت» مشهور است با آیات دیگر نظریات گوناگونی از سوی مفسران ارایه شده که می توان آنها را در سه پاسخ خلاصه کرد.

### 1- نسخ

برخی می گویند از آنجا که معنی و مفهوم آیه «مودت» با آیات دیگر مخالف است. آیه «مودت» منسوخ است و ناسخ آن آیات نفی اجر رسالت می باشد، 8 بنابراین تا زمان نزول این آیه ، درخواست اجر جایز بوده ولی پس از نزول آیات نفی اجر ، حکم جواز از بین رفته و پیامبر اجری درخواست نکرده است. خاستگاه این نظریه از آنجا ناشی می شود که پیشینیان برای نسخ دایره وسیعی قابل بودند؛ به طوری که با کمترین تناقض ظاهری قائل به نسخ می شدند و توجهی به شروط نسخ نداشتند. در حالی که یکی از شروط، عدم امکان جمع بین دو آیه است و در مسأله مورد بحث، امکان جمع وجود دارد؛ همان گونه که در دیدگاه سوم خواهد آمد. افزون بر آن آیه «مودت» مدنی است 9 و تمام آیات نفی اجر مکی ، و آیه مکی نمی تواند نسخ مدنی قرار گیرند، از این رو پاسخ فوق به هیچ وجه قابل قبول نیست.

### 2- استثناء منقطع

برخی دیگر از مفسران می گویند استثناء در این آیه منقطع است 10 یعنی ما بعد «الا» از جنس ماقبل آن یعنی مستثنی منه نیست و «الا» بمعنی «بل» و «لکن» می باشد. به بیان دیگر مودت در قریبی از جنس اجر نیست. لذا پیامبر اجری در خواست نکرده است بلکه درخواستی که برابر با اجر و مزد رسالت ارزش دارد از مسلمانان طلب می کند! نظیر استثناء در آیه «فأنهم عدو لی إلا رب العالمین» (شعرا/77) که مراد: «لکن رب العالمین لیس عدو لی» است.

بررسی واژه شناسی «اجر» می تواند مؤید این پاسخ باشد. لغت شناسان اجر را به معنای پاداش ، ثواب ، عوض دادن ، مزد کار گرفته اند 11 مشتقات این واژه در قرآن به معنای اجیر شدن و به خدمت گرفتن 12 اجاره کردن 13 و مهریه زنان 14 آمده است و بیانگر این مطلب می باشد که اجر برای صاحبش نفع دنیوی و اخروی دارد . در آیه مورد نظر نیز مودت در قریبی نفع دنیوی برای پیامبر ندارد؛ همان گونه که آیه «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم» (سبا/47) بر این مطلب اشاره دارد. بنابراین مودت قریبی که نفع دنیوی ندارد، نمی تواند از جنس «اجر» باشد. طبق این بیان استثناء منقطع خواهد بود.

### 3- استثناء متصل

عده ای از مفسران می گویند مودت در قریبی نوعی پاداش است بنابراین استثناء متصل می باشد ولی از آنجا که مودت در قریبی به استجاب دعوت یا جزیی از دعوت برمی گردد ، استثناء همان دعوت و رسالت می شود ( با همان بیانی که در آیه 57 سوره فرقان گذشت.) در این جا گویا اینکه پیامبر صلی الله علیه وآله

وسلم می‌فرماید: حال که خداوند مودت بین شما را واجب کرده و یکی از آنها مودت در قریبی است، من همین را به عنوان پاداش رسالتم می‌گیرم و اجر دیگری نمی‌خواهم<sup>15</sup>. بنابراین در خواست اجر ادعایی است. مانند پزشکی که به بیمار می‌گوید مزد من این است که به این نسخه عمل نمایی، این عمل کردن بیمار به نسخه نفعی به حال پزشک ندارد؛ بلکه خود بیمار را بهبود می‌بخشد و پزشک جهت تأکید بر انجام نسخه آن را به منزله مزد خود معرفی می‌کند. با این بیان مفاد استثناء این آیه نظیر آیه «قل ما اسالکم علیه من اجر إلا من شاء أن یتخذ الی ربه سیبلا» (فرقان / 57) می‌شود که استثنا چیزی خارج از دعوت و رسالت نیست؛ بلکه مکمل آن است و در خواست این نوع پاداش نه تنها مشکلی را ایجاد نمی‌کند، بلکه ضرورت هم دارد. مؤید آن آیه «قل ما سالتکم من اجر فهو لکم» (سبا/ 47) می‌باشد که بیان می‌کند درخواست اجر در راستای دعوتی است که فایده اش برای مردم است. خلاصه اینکه با توجه به این پاسخ و پاسخ قبلی هیچ گونه ناسازگاری میان آیه مودت با دیگر آیات نفی اجر رسالت نمی‌باشد و همه آنها بر عدم درخواست اجر مادی و دنیوی از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم تأکید دارند.

اختصاص آیه مودت به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم پس از اینکه ثابت شد هیچ گونه منافاتی بین آیات اجر رسالت نیست، به بررسی این پرسش می‌پردازیم که چرا فقط پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم دارای چنین درخواستی بود و از سوی دیگر پیامبران اینگونه درخواستی مطرح نشده است؟! برای پاسخ به این سؤال بررسی واژگان «المودة فی القربی» ضروری می‌نماید تا مراد از آن فهمیده شود. بیشتر لغت شناسان مودت را به معنای محبت گرفته‌اند که گاهی به معنای آرزو نیز می‌آید<sup>16</sup> و این در جایی است که بعد از آن «لو» باشد مانند آیه «وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ...» (نساء/ 102) «کافران آرزو دارند که شما از سلاحها و متاع های خود غافل شوید...».

ولی با بررسی استعمالات این واژه در قرآن در می‌یابیم که بین «محبت» و «مودت» اندکی فرق است. «مودت» نوع خاصی از «محبت» است که به گفته علامه طباطبایی آثار و تبعات ظاهری دارد. مانند خضوع و خشوع که اولی در عمل و دومی در قلب است.<sup>17</sup> «ودود» بودن خداوند هم بخاطر ظهور آثار خداوند از طریق افاضه نعمت‌هایش بر مردم است.<sup>18</sup>

بنابراین «مودت» نوعی دوستی می‌باشد که در آن پیوستگی، وابستگی و تعهد یافت می‌شود. نشانه آن یکی پیوند تنگاتنگ خالصانه است. چنانکه در آیه «و جعل بینکم مودة و رحمةً...» (روم/ 21) مشهود است؛ چه آنکه مودتی که بین زوجین است از نوع ارتباط خاص است که دارای وابستگی می‌باشد. نشانه دیگر آن دشمنی و کینه نداشتن است: «عسی الله أن يجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودةً والله قدير والله غفور رحیم» (ممتحنه/ 7). در این آیه «مودت» عامل رفع عداوت آمده است. معرفت نیز از لوازم دیگر مودت است.

پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می فرماید: «اذا آخى احدكم رجلا فليسأله عن اسمه واسم أبيه وقبيلته ومنزله فانه من واجبي الحق وصافي الاخاء والا فهو مودة حمقاء» 19

در این حدیث شناخت کسی که می خواهد مورد مودت و برادری قرار گیرد، لازمه مودت عاقل دانسته شده است. و در نهایت تاثیر پذیری نیز در مودت مورد توجه است. این مطلب را می توان از آیه 82 سوره مائده برداشت کرد که خداوند می فرماید:

«لتجدنَّ أشدَّ النَّاسِ عداوةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الْيَهُودَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مودةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَى .....»

«بطور مسلم دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان را یهود و مشرکان خواهی یافت و نزدیکترین دوستان به مؤمنان را کسانی می یابی که می گویند ما نصاری هستیم». برخی مفسران دلیل مودت نصاری را پذیرش دعوت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از سوی برخی از آنها دانسته اند. 20 بنابراین بین مودت و تأثیر پذیری ملازمه وجود دارد که در آیه بعد اینگونه به تصویر کشیده شده است:

«و اذا سمعوا ما أنزل إلى الرسول ترى أعينهم تفيض من الدمع مما عرفوا من الحق ، يقولون ربنا آمنا فاكْتَبْنَا مع الشاهدين» (مائده/83)

«و هر زمان آیتی را که بر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نازل شده بشنوند چشم های آنان را می بینی که از شوق اشک می ریزد؛ بخاطر حقیقتی که دریافته اند. آنها می گویند: پروردگارا ایمان آوردیم پس ما را با گواهان بنویس.»

خلاصه آنکه مودت محبتی است که در آن معرفت و تاثیر پذیری از محبوب یافت می شود .

واژه «قربی» نیز از قرب به معنای نزدیکان و حرف «فی» به گفته زمخشری ظرف است یعنی قربی ظرف مودت است 21 و اینگونه معنی می شود: «مگر آن مودتی که در نزدیکانم جای گیرد.»

با توجه به معنا شناخت واژگان «موده فی القربی» و در نظر گرفتن این نکته که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم می خواهد نوعی دوستی و پیوند تنگاتنگ با نزدیکانش برقرار شود، در می یابیم که درخواست مودت از سوی پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم هدفدار است؛ چرا که از این رهگذر پس از انقطاع وحی پیوندی میان رسالت و اهل بیت علیهم السلام برقرار خواهد شد که ضامن تداوم نبوت است!

حال به پاسخ سؤال گذشته برمی گردیم که چرا اجر رسالت اختصاص به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم دارد و پیامبران گذشته درخواست اجری نداشته اند؟

با توجه به نکات ذکر شده در معنا شناختی واژگان آیه مودت ، می توان به راحتی پاسخ سؤال یاد شده را فهمید: پیامبران گذشته همواره می دانستند که رسالت شان به رسالت پیامبر دیگری پیوند می خورد

و رسالت آن پیامبر به رسالت پیامبر دیگر تا آخر که به پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم ختم می شود و هیچگونه نگرانی نداشتند از اینکه اگر از جمع مردم بروند، رسالت شان عقیم بماند؛ زیرا با ارسال پیامبر بعدی راهشان ادامه پیدا می کرد و دغدغه ای از جهت به سرانجام نرسیدن رسالت شان نیست و به همین ترتیب هر پیامبری با این تفکر دوران رسالتش را سپری کرده و مزدی درخواست نمی نمود تا اینکه امر رسالت به خاتم پیامبران رسید و دغدغه مذکور ظهور پیدا کرد و پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم را به

این تفکر واداشت که برای برون رفت از مشکلات پس از رسالت در زمینه جزئیات احکام اسلام و تبیین آیات قرآن باید چاره‌ای اندیشید. دینی که هنوز دوران نضج و شکل‌گیری اش پدید آمده، نیاز دارد تا مفاهیم عالی‌اش برای جهانیان واضح گردد و عمر کوتاه پیامبر جوابگوی آن نیست.

بنابراین ضرورت دارد این رسالت به چیزی پیوند بخورد که ضامن تداوم آن باشد و بتواند مرجعیت پیروان این دین را که تعدادشان رو به افزایش است به عهده گیرد تا در صورت نیاز به آن مراجعه کنند.

قطعاً برای نیل به این هدف مطرح کردن «مودت در قربی» در قالب اجر رسالت بهترین راه بود. مسلمانانی که نیکی‌های زیادی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم دیده بودند و سعادت دنیوی و اخرویشان را مرهون تلاش این بزرگوار می‌دانستند، همیشه سنگینی جبران این همه خوبی بر سرشان سایه افکنده بود و آنها را در فکر فرو برده بود که چگونه می‌شود زحمات این همه تلاش پیامبر را جبران کرد.

با وجود چنین پیش‌زمینه‌ای در مسلمانان، پیامبر «مودت در قربی» را مطرح ساخت تا هم سعادت جامعه اسلامی تداوم داشته باشد و هم بعنوان مزدی از خودشان قبول کنند تا مسلمانان بهای بیشتری به آن دهند. بنابراین «مودت در قربی» تداوم دهنده رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است و با آن پیوند خورده است. البته نیازی به یادآوری این مطلب نخواهد بود که مودتی مورد درخواست است که در عمل ظهور و بروز پیدا کند و گر نه مودت و حب قلبی بدون عمل تأثیر چندانی در تداوم رسالت نخواهد داشت!

مراد از «القربی» چیست؟

برخی از مفسران که بیشتر اهل سنت هستند، خواسته‌اند با تفسیرهای نادرست مفهوم آیه را از مسیر اصلی اش خارج سازند! و آن هدفی را که این آیه دنبال می‌کرد، نادیده گیرند که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

1- بسیاری از مفسران اهل سنت «قربی» را به معنای «خویشاوندی» گرفته و گفته‌اند: از آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم با همه قبایل قریش خویشاوندی داشت، این آیه بیان می‌دارد که: بگومن هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم مگر اینکه مرا بخاطر قرابتی که با شما دارم دوست داشته و حفظ نمایید!22 از سوی دیگر پیامبر با اهل مدینه و انصار نیز از طرف مادر خویشاوند بود که آیه می‌تواند نسبت به آنها نیز صدق کند.

این دیدگاه نمی‌تواند مورد قبول قرار گیرد؛ زیرا مخاطبان پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم از دو حال خارج نیستند: یا کافر بودند که در این صورت اجر خواستن معنی ندارد؛ زیرا پیامبر برای آنها کاری نکرده تا پاداشی بخواهد! و یا مؤمن بودند که اگر مؤمن باشند، اذیت و آزار و دشمنی نخواهد بود تا پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درخواست نماید که او را دوست بدارند و اذیتش نکنند؛ چرا که دوست داشتن محقق بوده و نیازی به درخواست آن نیست! این مطلب نسبت به انصار بیشتر صدق می‌کند؛ زیرا آنان پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم را بسیار بیشتر دوست می‌داشتند.

2- برخی گفته‌اند آیه در صدد بیان تودد مسلمانان نسبت به یکدیگر است23 و در واقع بر صله رحم تأکید می‌کند.

این نظریه هم با آیه سازگار نیست؛ زیرا الف و لام در «القربی» عوض از ضمیر متکلم است؛ یعنی با قرینه «لا اسالکم» مراد از «القربی» «قربای» می باشد که در این صورت مودت مسلمانان نسبت به همدیگر ارتباطی به پیامبر ندارد.

3- برخی دیگر می گویند مراد تقرب جستن به خدا بوسیله اطاعت است 24 پس آیه می گوید: من مزدی از شما نمی خواهم مگر اینکه تقرب به خداوند را دوست داشته باشید. علاوه بر جواب قبلی در اینجا باید گفت درخواست دوست داشتن تقرب به خدا، تحصیل حاصل است؛ زیرا حتی بت پرستان دوست داشتند که به خدا تقرب جویند تا چه رسد به مؤمنان که دوستی شان بیشتر است و نیازی به درخواست آن نیست.

4- نظر دیگر این است که مراد از «قربی» در آیه، اقربای پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم است؛ یعنی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم. 25 توضیح این که در بحث قبل اشاره شد به این که درخواست پاداش از طرف پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم هدفدار است و مقصود از آن امتداد یافتن رسالت است. بنابراین «قربی» باید کسانی باشند که صلاحیت مرجع قرارگرفتن مردم را داشته باشند و بتوانند خلأ عدم وجود پیامبر را پر کرده و پاسخگوی نیاز مردم در زمینه مسایل دین اسلام باشند. افزون بر آن از کج رویها و انحرافات جلوگیری کرده و اسلام واقعی را برای بشر نمایان سازند و لازمه آن مصون بودن از خطا و اشتباه و اتصال علمی و معنوی به رسول خداست.

با مراجعه به روایات اهل سنت و شیعه مصادیق واقعی قربی به وضوح روشن می شود.

بررسی روایات آیه مودت

روایات زیادی از طریق شیعه وارد شده است که مراد از «قربی» را معین می کند. جهت اختصار فقط به برخی اشاره می شود:

- 1- امام علی علیه السلام می فرماید: «فینا فی آل حم آیه لایحفظ مودتنا الا کل مؤمن».
- 2- امام باقر علیه السلام درباره آیه «قل لا اسألکم علیه اجراً الا الموده فی القربی» می فرماید: «هم الائمه» 27 یعنی مراد از قربی ائمه اطهار علیهم السلام می باشند .
- 3- در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «و لکم الموده الواجبه:» و مودتی که واجب شده از آن شماست» در منابع اهل سنت نیز روایات زیادی در این موضوع نقل شده که در موارد ذیل می توان آنها را دسته بندی کرد .

1- روایاتی که مراد از «قربی» را «آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم» معرفی می کند. مانند روایت سعید بن جبیر که در ذیل آیه از ابن عباس نقل می کند: «قربی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم» 28 نیز روایت دیگری از ابن عباس :



«لما نزلت قل لا اسالکم علیہ اجرأ إلا المودۀ فی القربی» «قالوا: یا رسول اللہ من قرابتک هؤلاء الذین وجبت علینا مودتهم قال: علی و فاطمہ و ابناهما»<sup>29</sup>.

این روایات به روشنی گویای این مطلب است که مراد از «قربی» اهل بیت پیامبرعلیهم السلام است .  
2- روایت امام سجاد علیه السلام که به مرد شامی فرمود :

«قرأت آل حم قال قرأت القرآن و لم أقرأ آل حم قال ما قرأت» قل لا أسألکم ... « قال و انکم لانتم هم ؟ قال علیہ السلام نعم!»<sup>30</sup>.

این روایت که در منابع اهل سنت آمده مصداق «قربی» را مشخص می‌سازد.

3- روایات بسیاری در موضوع حب اهل بیت‌علیهم السلام وارد شده به عنوان مثال : زمخشری در تفسیرش نقل می‌کند:

«لا و من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً الا و من مات علی حبّ آل محمد مات مؤمناً مستکمل الايمان ألا و من مات علی حبّ آل محمد فتح له فی قبره بابان إلى الجنّة ألا و من مات علی حبّ آل محمد جعل اللّٰه قبره مزار ملائکة الرحمة ألا و من مات علی حبّ آل محمد مات علی السنّة و الجماعة»<sup>31</sup>  
و کثرت روایات این باب موجب شده که حب اهل‌بیت‌علیهم السلام در میان اهل سنت انکار ناپذیر شود و از بزرگانی همچون شافعی چنین اشعاری سروده شده:

ان کان رفضاً حبّ آل محمّد

فلیشهد الثقلان أنّی رافضی<sup>32</sup>

«اگر دوستی آل محمد رفض است پس جن و انس شهادت دهند که من رافضی هستم.»  
این روایات گر چه گونه صریح اشاره ای به آیه مودت ندارند، اما می‌توانند مؤیدی باشند بر اینکه مراد از قربی اهل بیت‌علیهم السلام می‌باشد .

نتیجه گیری

از بحث های گذشته می‌توان نتیجه گرفت که:

- 1- به دلایل مختلفی پیامبران نباید درخواست اجر و مزد دنیوی از مردم داشته باشند.
- 2- آیه مودت هیچ ناسازگاری با آیات نفی اجر رسالت ندارد و در واقع استثناء در این آیه شبیه آیه 57 سوره فرقان به دعوت و رسالت بر می‌گردد که نفع و سودش عاید خود مردم می‌شود. بنابراین پیامبر اجری از این درخواست ندارد .
- 3- مراد از مودت ، دوستی خاصی است که آثار ظاهری مانند معرفت و تأثیرپذیری از محبوب دارد.
- 4- تفسیرهای که برای «قربی» گفته شده صحیح به نظر نمی‌رسد و بهترین تفسیر که شواهد روایی شیعه و اهل سنت مؤید آن است، بیانگر این است که مراد از «قربی» اهل بیت پیامبرعلیهم السلام می‌باشند که با هدف درخواست اجر یعنی مرجع قرار گرفتن «قربی» برای مردم سازگاری دارد. بنابراین حب و مودت نسبت به اهل بیت‌علیهم السلام که مستلزم پیروی از آنها و تمسک به سیره و گفتارشان است امری لازم و ضروری می‌نماید .

- 1- طباطبایی ، محمد حسين الميزان فى تفسير القرآن ، قم ، جامعه مدرسين، ج 18/42.
- 2- مظفر، محمد رضا ، عقايد الاماميه ، ايران ، انتشارات انصاريان، /48.
- 3 - فخر رازى ، محمد بن عمر ، التفسير الكبير ، چاپ سوم ، ج 27/165.
- 4 - هود /29.
- 5 - يوسف /72.
- 6 - يوسف /104، سبأ /47 و /86.
- 7 - طباطبایى ، الميزان ، ج 18/43.
- 8 - نک: سيوطى ، جلال الدين ، الدر المنثور ، چاپ اول ، جدۀ، دار المعرفه ، 1365 ق، /6/6 .
- 9 - گرچه سوره شورى مکی است، اما آيه مودت استثنا شده است. نک: ثعالبي ، عبدالرحمن بن محمد ، الجواهر الحسان فى تفسير القرآن ، چاپ اول ، دار احیاء التراث العربی ، 1418 ق، /5/147؛ قرطبي ، محمد بن احمد ، الجامع لاحکام القرآن ، بيروت ، دار احیاء التراث العربی ، 1405 ق، /16/1 .
- 10 - طبرى ، محمد بن جرير ، جامع البيان عن تأويل آى القرآن ، بيروت ، دار الفكر ، 1415 ق، /25/30 ؛ الجواهر الحسان 5/157.
- 11 - قرشى ، سيد على اكبر ، قاموس قرآن ، چاپ نهم، تهران ، دارالکتب الاسلاميه ، 1/25\_1381.
- 12 - قصص /27.
- 13 - قصص /26.
- 14 - نساء /24 و مائده /50.
- 15 - طباطبایى ، الميزان ، 18/43 .
- 16 - راغب اصفهانی ، المفردات فى غريب القرآن ، چاپ دوم ، انتشارات مرتضوى، 1376\_ /553.
- 17 - طباطبایى، الميزان، 16/166.
- 18 - راغب اصفهانی، المفردات /553.
- 19 - مجلسى، محمد باقر، بحار الانوار، چاپ دوم، بيروت، مؤسسه وفاء، 1403 ق، /71/166.
- 20 - طباطبایى ، الميزان، 6/80.
- 21 - زمخشرى ، محمود بن عمر، الكشاف عن حقايق غوامض التنزيل ، 4/219\_1366.
- 22 - طبرى ، محمد بن جرير ، جامع البيان ، 25/31 ؛ سيوطى ، الدر المنثور، /6/7 ؛ ابن الجوزى ، عبد الرحمن بن على ، زاد المسير فى علم التفسير ، چاپ اول ، بيروت ، دار الفكر ، 1407 ق، /7/79.
- 23 - نک : طبرسى، فضل بن حسن ، مجمع البيان فى تفسير القرآن ، چاپ اول ، بيروت ، مؤسسه اعلمى ، 1425 ق، /9/48؛ ابن الجوزى ، زاد المسير ، 7/97.
- 24 - همان
- 25- همان ؛ طباطبایى ، الميزان ، 18/46.

- 26- طبرسى، مجمع البيان فى تفسير القرآن ، 9/49.
- 27- كلينى ، محمد بن يعقوب، الكافى ، چاپ سوم، تهران ، دار الكتب الاسلاميه ، 1388 ق، 1/413 .
- 28- بخارى محمد بن اسماعيل ، الصحيح ، بيروت ، دار الفكر، 1401 ق، 6/137.
- 29- طبرانى سليمان بن احمد، المعجم الكبير ، چاپ دوم ، قاهره ، دار احياء التراث العربى، 3/47 ؛ آلوسى ، سيد محمود، روح المعانى فى تفسير القرآن العظيم ، چاپ چهارم ، بيروت ، دار احياء التراث العربى ، 1405 ق ، 25/32.
- 30 - آلوسى ،روح المعانى ، همان؛ طبرى ، محمد بن جرير ، جامع البيان ، 25/33.
- 31 - زمخشرى ، الكشاف ، 4/220 ؛ فخر رازى ، مفاتيح الغيب ، 27/167؛ قرطبى ، الجامع لاحكام القرآن ، ج 16/23 .
- 32 - فخر رازى ، همان